

ساختار حقوقی نظام داورى: سیستم واحد یا دوگانه؟

علی مقدم ابریشمی* - مسعود محبوب**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۷)

چکیده

امروزه قانون نمونه داورى آنسیترال به عنوان قانونی مدرن برای وضع قوانین به کار می‌رود. گرایش غالب در بسیاری از کشورهای دنیا به ایجاد سیستم داورى واحد بر مبنای قانون نمونه است. در ایران پس از تصویب قانون داورى تجاری بین‌المللی، داورى داخلی و داورى بین‌المللی از یکدیگر تفکیک شد. با توجه به عدم وجود مقررات مدرن داورى در آیین دادرسی مدنی و تغییرات نامناسبی که قانون داورى تجاری بین‌المللی نسبت به قانون نمونه آنسیترال اعمال نمود، ساختار حقوقی داورى ایران ساختار مناسبی به نظر نمی‌رسد. هدف این مقاله این است که با بررسی گرایش ساختار داورى کشورهای توسعه یافته و نقش موثر قانون نمونه، پیشنهاد کند که مبنای حقوق داورى ایران باید سیستم واحد باشد که نه تنها باید با قانون نمونه سازگار باشد بلکه باید پا را فراتر نهاده و قانون جامع داورى مدرن تدوین کند.

کلید واژگان: داورى، قانون ایران، قانون نمونه، قانون داورى تجاری بین‌المللی ایران، سیستم واحد، سیستم دوگانه

* استاد پار حقوق خصوصی و اقتصادی دانشگاه علامه طباطبائی، (نویسنده مسئول) aabrishami2002@yahoo.com
** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی masood_mahboob@yahoo.com

مقدمه

در جهان امروز رقابت شدیدی میان کشورها در زمینه گسترش و توسعه هر چه بیشتر داوری و جذب داوری‌های بین‌المللی وجود دارد. این امر بدون قوانین و مقررات مناسب و مدرن داوری امکان پذیر نیست. کشورها به‌طور مداوم با اصلاح و مدرن سازی قوانین و مقررات خود برای تحقق این مهم می‌کوشند. در روند مدرن سازی قوانین، بسیاری از کشورها قواعد خود را از قانون نمونه داوری تجاری بین‌المللی آنستیرال اقتباس کرده‌اند. در این میان، بعضی از کشورها سیستم واحد را بر مبنای قانون نمونه بر می‌گزینند. در سیستم‌های واحد یک قانون واحد بر داوری‌های داخلی و بر داوری‌های بین‌المللی حاکم می‌شود^۱ (1) : (Abrishami 2015). از طرف دیگر برخی از کشورها سیستم دوگانه را ترجیح می‌دهند و برای داوری‌های داخلی و داوری‌های بین‌المللی قواعد جداگانه ای تصویب می‌کنند^۲. در ایران، تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی سال ۱۳۷۶، نقطه عطفی در زمینه وضع مقررات داوری بین‌المللی بود، زیرا وضع این قانون رژیم حقوقی جداگانه ای برای داوری‌های بین‌المللی بوجود آورد. تا قبل از تصویب این قانون، کلیه داوری‌ها در ایران تابع نظام داوری واحد آیین دادرسی مدنی بودند که فاقد مفاهیم و قواعد مدرن داوری است اما از زمان تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی، نظام داوری دوگانه در ایران اعمال شد؛ بدین معنا که قواعد داوری قانون آیین دادرسی مدنی بر داوری‌های داخلی و قانون داوری تجاری بین‌المللی بر داوری‌های تجاری بین‌المللی حاکم شد. قانونگذار با تدوین قواعد جدید در زمینه داوری‌های بین‌المللی سعی در جذب هر چه بیشتر داوری‌های بین‌المللی داشت. با این حال، علی‌رغم چنین تحولاتی، داوری آنچنان‌که باید در ایران گسترش نیافت؛ بنابراین به‌منظور توسعه داوری در ایران، برنامه پنجم توسعه در شق واو بند ۲ ماده ۲۱۱ قوه قضائیه را مکلف به تدوین لایحه‌ای تحت عنوان لایحه جامع داوری کرده است^۳ (قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران). مقاله حاضر در مقام تجزیه و تحلیل ماهوی مقررات داوری نمی‌باشد بلکه هدف این مقاله پاسخ به سوالات ذیل می‌باشد:

- نقش و تأثیر قانون نمونه در توسعه و یکنواخت کردن قوانین داخلی کشورها چیست؟

۱. مانند وضعیت ایران قبل از تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی سال ۱۳۷۶ که مقررات داوری آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۱۸ بر داوری داخلی و بین‌المللی حاکم بود.

۲. مانند وضعیتی که در ایران پس از تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی سال ۱۳۷۶ بوجود آمد، بدین معنا که قانون سال ۷۶ بر داوری‌های بین‌المللی و قواعد داوری آیین دادرسی مدنی بر داوری‌های داخلی حاکم گردید.

۳. ماده ۲۱۱ مقرر میدارد: قوه قضائیه مکلف است ... "با همکاری دولت نسبت به تهیه لایحه نهاد مستقل داوری داخلی و بین‌المللی تا پایان سال سوم برنامه اقدام کند تا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم شود".

• گرایش اکثر کشورهای توسعه یافته در زمینه داوری به سوی کدام ساختار حقوقی می باشد؟
 • الگوی مناسب از لحاظ ساختاری برای حقوق داوری ایران چیست؟ سیستم واحد یا دو گانه؟
 برای پاسخ به این سوالات به سه بخش تقسیم می شود. بخش اول تلاش های بین المللی در یکنواخت کردن حقوق داوری و نقش ویژه و منحصر به فرد قانون نمونه آنستیرال در این خصوص را شرح می دهد. بخش دوم به بررسی ساختار های حقوقی دو گانه و واحد و گرایش اکثر کشورهای پیشرفته در این زمینه می پردازد. بخش سوم ساختار حقوق داوری ایران را مورد توجه قرار داده و الگوی مناسب برای اصلاح حقوق داوری ایران از لحاظ ساختاری ارائه می کند.

۱-۱ تاریخچه تحول و یکنواخت شدن حقوق داوری بین المللی

گسترش روز افزون داوری بین المللی حاصل همکاری های بین المللی است.^۱ متعاقب عدم موفقیت پروتکل ۱۹۲۳ و کنوانسیون ۱۹۲۷ ژنو و عدم تحقق اهداف مورد نظر از ایجاد آنها، کنوانسیون نیویورک بر مبنای قواعد پروتکل و کنوانسیون ژنو تدوین شد و بر دو هدف عمده، الزام کشورها برای شناسایی و اجرای موافقت نامه های داوری منعقد شده در خارج از قلمروشان و شناسایی و اجرای آرای داوری صادر شده در کشورهای خارجی، تمرکز یافت. مطابق صورت جلسه رسمی مذاکرات کنوانسیون نیویورک، این کنوانسیون تصویب گردید با این هدف که یکنواخت کردن مقررات در داوری تجاری بین المللی را بهبود بخشد و تجارت بین الملل را تسهیل کند. با این حال، اگرچه کنوانسیون نیویورک یک موفقیت بین المللی بود اما کنوانسیون به تنهایی منجر به یکنواخت ساختن قوانین ملی نگردید. در این میان آنستیرال هدف کنوانسیون نیویورک را مورد شناسایی قرارداد و اقداماتی در جهت یکسان سازی در داوری تجاری بین المللی به لحاظ شکلی انجام داد که نمونه بارز این اقدامات، قانون نمونه سال ۱۹۸۵ و نسخه اصلاحی ۲۰۰۶

۱. کنوانسیون مونتیدئو در سال ۱۸۸۹ نخستین کنوانسیون بین المللی برای شناسایی و اجرای موافقت نامه داوری (بین برخی کشورهای آمریکای لاتین) بود. در سال ۱۹۲۳ پروتکل ژنو با هدف شناسایی اعتبار موافقت نامه های داوری پا به حیات گذاشت، زیرا در آن زمان بسیاری از کشورها شرط داوری در قرارداد (اعم از اختلافات حاضر و اختلافات ناظر به آینده) را مورد شناسایی قرار نمیدادند و در سال ۱۹۲۷ کنوانسیون ژنو در خصوص اجرای آرای داوری خارجی تهیه گردید. کنوانسیون ۱۹۲۷ کشورها را به اجرای آرای داوری خارجی الزام می نمود اما پیش شرط اعلام قبلی قابل اجرا بودن رای توسط دادگاه های کشور محل وقوع داوری برای اجرای رای در کشورهای دیگر، باعث ایجاد سختی ها و مشکلات زیادی برای شخص محکوم له دعوا در اجرای رای می گردید. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

Protocol on Arbitration Clause, Signed at a Meeting of the Assembly of the League of Nations Held on 24 September 1923

Convention on the Execution of Foreign Arbitral Awards, Signed at Geneva, 26 September 1927

۱-۲ نقش قانون نمونه آنسیترال به‌عنوان الگوی مناسب برای یکنواخت کردن قوانین در دهه ۵۰ تلاش‌ها برای ایجاد یک قانون داوری تجاری بین‌المللی با هدف رهایی از محدودیت‌های حقوق داخلی، ناموفق بود. قوانین داوری از کشوری به کشور دیگر به‌طور گسترده‌ای با یکدیگر تفاوت داشت و قانونگذاران ملی در زمان وضع قوانین داوری عمدتاً به اصول موجود در حقوق و سیستم قانونگذاری خودشان تکیه می‌کردند. به همین دلیل وکلای فعال تجارت بین‌الملل در مذاکرات قراردادی در خصوص پذیرفتن شرط داوری ارجاع‌دهنده به قوانین داوری که با آن‌ها آشنا نبودند، تعلل می‌ورزیدند. این تعارض قوانین، مانعی بزرگی در توسعه داوری تجاری بین‌المللی و تجارت بین‌الملل محسوب می‌شد تا اینکه در سال ۱۹۸۵ قانون نمونه داوری توسط آنسیترال در جهت رفع این مشکل تدوین گردید (Bergsten 2005: 29). هرچند قانون نمونه به‌عنوان مقررات غیر الزام‌آور^۲ بوده و صرفاً راهنمایی برای قانونگذاری محسوب می‌شود اما تصمیم آنسیترال برای ایجاد قانون نمونه به جای تهیه کنوانسیون بسیار قابل تحسین بود.^۳

قانون نمونه آنسیترال در میان کشورها، بسیار مورد توجه قرار گرفته است و تا سال ۲۰۱۶، ۷۲ کشور قانون نمونه را پذیرفته‌اند. تعدادی از کشورها بدون تغییر یا با تغییرات جزئی قانون نمونه را مورد پذیرش قرار دادند.^۴ هر چند کشورها قانون نمونه را با توجه به ویژگی‌های خاص سیستم

۱. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

Bernd Weigand, F., *Practitioner's Handbook on International Commercial Arbitration*, OUP Oxford, 2009, p40

Born, G., *International Commercial Arbitration: International and USA Aspects commentary and Materials*, Kluwer Law International, 2015, p21

United Nations, "Enforcing Arbitration Awards under the New York Convention", New York, 1999, United Nations Publications, p 9

Linda Silberman, "The New York Convention After Fifty Years: Some Reflections on the Role of National Law", *Georgia Journal of International and Comparative Law* 38 (2009), p26.

S.I.Strong, "Monism and Dualism in International Commercial Arbitration: Overcoming Barriers to Consistent Application of Principles of Public International Law", *University of Missouri School of Law, SSRN*, 2012, p 5

2. Soft Law

۳. مزایای این تصمیم را می‌توان اینگونه بر شمرده: ۱. عدم نیاز به تصویب ملی و عدم قائل شدن حق شرط‌های خاص که مانع متحدالشکل ساختن بین‌المللی می‌شود. ۲. فراهم آوردن این امکان برای کشورها که بتوانند ضمن حفظ اصول موجود در حقوق ملی قانون نمونه را نیز الگو قرار دهند.

۴. برای مثال قانون داوری تجاری ۱۹۸۷ قبرس که دارای ۳۶ ماده است که فقط حاوی یک تغییر بسیار جزئی نسبت به مفاد قانون نمونه می‌باشد.

The International Arbitration in Commercial Matters Law 1987 (IACM) (No. 101 of 1987).

داخلی خودشان تصویب کرده‌اند، اما مبنای اصلی قانون نمونه در این قانونگذاری‌ها حفظ گردیده است. در حقیقت، قانون نمونه دارای چنان نفوذ و تأثیری می‌باشد که همه کشورهای که تمایل به مدرن سازی قوانین داوری خود دارند به نحوی قانون نمونه را مورد توجه قرار می‌دهند. با این حال باید میان قوانینی که از قانون نمونه الهام گرفته‌اند و تحت تأثیر آن بوده‌اند (کشورهایی همچون انگلیس، اسکاتلند و سوئد) و نیز قوانینی که تعداد قابل توجهی از مقررات آن‌ها تکرار و بازخوانی مقررات قانون نمونه می‌باشد (کشورهایی همچون هنگ کنگ، مصر، نیوزلند) تمایز قائل شد (Sanders 1995: 1-38). برخی از کشورها قانون نمونه را صرفاً به‌عنوان الگویی برای قانون داوری تجاری بین‌المللی در نظر گرفته‌اند، در حالی که برخی دیگر آن را به‌طور یکسان هم برای داوری بین‌المللی و هم برای داوری داخلی تصویب کرده‌اند.

۳-۱. نقش و تأثیر قانون نمونه در مدرن ساختن داوری داخلی

اگرچه هدف از تدوین قانون نمونه یکنواخت ساختن قواعد داوری بین‌المللی بود، این امکان که قانون نمونه بتواند مبنای داوری داخلی نیز باشد از ابتدا مورد پذیرش گروه‌های کاری آنسیترال بود. در زمان بحث در خصوص کارها و برنامه‌های آنسیترال توافقی بدین نحو حاصل گردید: در صورتی که قانون نمونه توسط کشورها برای داوری تجاری بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرد، در این میان مانعی برای استفاده از قواعد قانون نمونه برای داوری داخلی وجود ندارد (Sanders 1995:3). این عقیده همچنین در شرح تحلیلی دبیر کل نیز مطرح شد، «هر کشوری مجاز است قانون نمونه را در داوری داخلی نیز مورد استفاده قرار دهد و به وجود دوگانگی در نظام داوری خود پایان دهد. به‌طور کلی اگر دو رژیم حقوقی بر داوری یک کشور حاکم باشد ممکن است در تشخیص اینکه آیا داوری داخلی است یا بین‌المللی مشکل پیش آید.

قانون نمونه در داوری داخلی در کشورهای مختلف به دو روش مورد به کار می‌رود:

۱. وارد و اعمال کردن (opt in) قانون نمونه

۲. خارج کردن و عدم اعمال (opt out) قانون نمونه

۳-۱-۱ وارد و اعمال کردن قانون نمونه (Opt in)

کشورها ممکن است در زمان پذیرش قانون نمونه به‌عنوان مبنای قوانین داوری خود، این

برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

Kyriakides, M. and Shelyagova, O., Contributing editors: Wegen, G. and Wilske, S., "Arbitration in 55 jurisdictions worldwide, *Cyprus*", *Global Arbitration Review*, 2011, p 108

امکان را برای طرفین اختلاف ایجاد کنند تا قانون نمونه را بر داوری داخلی نیز حاکم کنند. این امکان با آنچه که در بند (ث) از بند سه ماده ۱ قانون نمونه که مقرر می‌دارد: «داوری بین‌المللی است اگر طرفین به صراحت توافق کرده باشند که موضوع داوری به بیش از یک کشور ارتباط دارد» متفاوت است.

این امر، نخستین بار در قانون داوری هنگ کنگ صورت پذیرفت که در داوری داخلی به طرفین اجازه میداد تا در زمان حدوث اختلاف بر اعمال بخش دوم قانون هنگ کنگ که مبتنی بر قانون نمونه بود توافق کنند (Arbitration Ordinance of Hong Kong). در همین راستا قانون اسکاتلند به طرفین اجازه می‌دهد، بدون اینکه نیازی به حدوث اختلاف باشد، بر اعمال قانون نمونه که در ضمیمه ۷ قانون این کشور آمده است، توافق نمایند؛ هر چند که ممکن است اختلاف در قلمروی داوری تجاری بین‌المللی به معنایی که در بند ث از بند ۳ ماده یک قانون نمونه آمده، قرار نگیرد (Scotland Arbitration Act 1990). کشور نیجریه تعریف مقرر در بند ث از بند سه ماده یک قانون نمونه را بدین نحو تغییر داد که طرفین اختلاف علیرغم ماهیت قراردادی می‌توانند توافق کنند که اختلافشان داوری بین‌المللی تلقی شود (Nigeria Arbitration and Conciliation Decree 1988).

۲-۳-۱) خارج کردن و عدم اعمال قانون نمونه (Opt out)

برخلاف آنچه که در حالت اول بیان شد، طرفین داوری بین‌المللی می‌توانند بر خارج کردن و عدم اعمال قانون نمونه و حاکم شدن قوانین داوری داخلی بر اختلاف بین‌المللی شان توافق کنند. این روش ارجاع به قوانین داخلی در اختلافات بین‌المللی به طرق مختلفی امکان پذیر است. طبق قانون سابق استرالیا (۱۹۷۴) طرفین داوری بین‌المللی که مقرر آن در استرالیا بود، می‌توانستند با توافق کتبی اعمال قانون نمونه را استثنای کنند^۱ (Australian Arbitration Act 1974). اما کشور برمودا همین رویه را با جزئیات بیشتری دنبال می‌کند: «طرفین می‌توانند در موافقت‌نامه یا هر سند مکتوب دیگری بر عدم اعمال قانون نمونه -اعم از اینکه اختلاف قبلاً حادث شده است یا امکان حدوث آن وجود دارد- تراضی کنند» (The Bermuda International Arbitration and Conciliation Act 1993). قانون داوری هنگ کنگ نیز امکان عدم اعمال قانون نمونه را فراهم می‌آورد. طبق این قانون طرفین می‌توانند بصورت مکتوب تراضی کنند

۱. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

Peter Wood, Phillip Greenham and Roman Rozenberg, *Arbitration in Australia*, CMS Guide to Arbitration, Volume I, Minter Ellison, p5,

که اختلافاتشان بر مبنای داوری داخلی حل و فصل شود (D'Agostino 2011: 1).

۲) ساختار حقوقی داوری: سیستم دوگانه یا واحد؟

بعضی از کشورها سیستم قانونی واحد را برای قانون داوری خود بر می‌گزینند. در سیستم‌های واحد مجموعه مقررات یک قانون واحد هم بر داوری‌های داخلی و هم بر داوری‌های بین‌المللی حاکم می‌گردند بدون اینکه معیاری برای تمیز داوری داخلی و بین‌المللی از یکدیگر در نظر گرفته شود. از طرف دیگر برخی از کشورها سیستم قانونی دوگانه را ترجیح می‌دهند و برای داوری‌های داخلی و داوری‌های بین‌المللی قواعد جداگانه ای تصویب می‌کنند. ایجاد سیستم دوگانه گاهی در یک مجموعه قوانین واحد و گاهی نیز در دو مجموعه مجزا انجام می‌شود. (Abrishami 2015:1)

بسیاری از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته با اعمال تغییرات در قوانین داوری خود و حاکم کردن سیستم قانونی واحد تمایل خود را به ایجاد یک سیستم واحد نشان داده‌اند. در اروپا، اسکاتلند در سال ۲۰۱۰ سیستم دوگانه حاکم بر قانون داوری خود را کنار گذاشت و قانون داوری جدیدی را بر مبنای سیستم قانونی واحد بنا نهاد. بلژیک هم در سال ۲۰۱۳ قانون داوری جدیدی را بدون تفکیک کردن داوری بین‌المللی و داوری داخلی، به تصویب رساند. در کشورهای دیگری همچون انگلیس، اسکاتلند، آلمان و سوئد نیز سیستم واحد بر داوری حاکم می‌باشد. در آسیای جنوب شرقی، هنگ کنگ کنگ به‌عنوان کشوری که انتخاب آن به‌عنوان مقر داوری مورد تائید و احترام همگان می‌باشد، سیستم قانونی واحد را بر داوری حاکم ساخت. در آمریکای لاتین، کشورهای پرو، ونزوئلا و بولیوی دارای قانون داوری واحدی هستند که هم بر داوری داخلی و هم بر داوری بین‌المللی اعمال می‌شود. در خاور میانه و شمال آفریقا عربستان سعودی و مصر از سیستم واحد تبعیت می‌نمایند. با بررسی قوانین کشورهای فوق‌الذکر ملاحظه می‌شود که تعداد بسیاری از بازیگران اصلی داوری بین‌المللی در دنیا، سیستم قانونی واحدی را بر داوری خود حاکم ساخته‌اند. تغییراتی که اخیراً توسط کشورهای چون هنگ کنگ، بلژیک و اسکاتلند انجام شده نشان از تمایل کشورها به تغییر سیستم قانونی دوگانه و تبعیت از سیستم قانونی واحد حکایت می‌کند. با در نظر گرفتن تعداد کثیر کشورهای توسعه یافته در داوری که سیستم داوری واحد را اتخاذ کرده‌اند می‌توان استنباط کرد که سیستم داوری واحد، انتظارات از سیستم داوری مدرن را چه از لحاظ ساختاری و چه از لحاظ ماهیتی و محتوایی بهتر تامین می‌کنند. دلایل اصلی این انتخاب عبارتند از:

۱. سیستم قانونی واحد متناسب با نیازهای داوری، شفافیت و اطمینان مورد نیاز در تجارت بین الملل را فراهم می‌آورد.
 ۲. معیار بین‌المللی بودن اهمیت خود را برای تفکیک داوری داخلی از بین‌المللی از دست می‌دهد و در نتیجه ابهام در تشخیص اینکه آیا داوری داخلی است یا بین‌المللی موضوعیت نخواهد داشت.
 ۳. سیستم واحد منجر به پیشرفت و مدرن شدن داوری داخلی نیز می‌شود.
 ۴. سیستم داوری واحد بر مبنای قواعد مدرن داوری، نه تنها اشخاص و تجار خارجی بلکه اشخاص و تجار داخلی را نیز برای ارجاع اختلافاتشان به داوری تشویق می‌کند.
 ۵. یک سیستم واحد مدرن و پیشرفته می‌تواند در توسعه اقتصادی از طریق جلب اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی تأثیر به‌سزایی داشته باشد.
- با توجه به گرایش کشورها به ایجاد سیستم واحد بر مبنای قانون نمونه و یا با الهام از آن، مناسب است که در این بخش از مقاله قوانین داوری تعدادی از کشورها که این ساختار را دنبال می‌کنند مختصراً مورد بررسی خواهد شد تا مزایا و دلایل چنین انتخابی تبیین شود.

۱-۲) قوانین داوری هنگ کنگ و بلژیک

قانون نمونه آنسیترال به‌عنوان مبنای قانون داوری هنگ کنگ ۲۰۱۰ (Hong Kong Arbitration Ordinance 2010) و قانون داوری بلژیک (Belgian Arbitration Act 2013) ۲۰۱۳ پذیرفته شد که بر داوری‌های داخلی و بین‌المللی اعمال می‌شود. مهم‌ترین اهداف و دلایل قانونگذاران این دو کشور در انتخاب سیستم واحد بر مبنای قانون نمونه عبارت بودند از:

۱. ایجاد شفافیت برای ساختار شکلی نظام داوری
۲. اجتناب از اختلاف در تعیین صلاحیت نظام داوری داخلی و بین‌المللی
۳. تبلور یافتن آزادی اراده و انعطاف‌پذیری در داوری‌های داخلی به همان میزانی که در داوری‌های بین‌المللی وجود دارد
۴. کاهش دادن قلمروی دخالت دادگاه‌های ملی در داوری‌های داخلی^۱ (Consultation Paper Belgian (Parliamentary Works, Doc 53 2743/01) 2007: 5,6). این اهداف بیان شده توسط

۱. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

Matray, G., "Belgium Adopts a New Law on Arbitration", Kluwer Arbitration, July 4, 2013
<http://lexlitus.eu/the-new-belgian-arbitration-act-302>, Last Seen: 16 February 2016.

قانونگذاران این دو کشور به روشنی اهمیت و ویژگی‌های سیستم واحد را نشان می‌دهد.

۲-۲) نیوزلند

در سال ۱۹۹۶ نیوزلند قانون ۱۹۰۸ خود را که بر مبنای قانون داوری انگلیس بود، منسوخ کرد و در زمره اولین کشورهایی بود که قانون نمونه آنستیرال را مبنای قانونگذاری خود در داوری قرار داد (Law Commission 1996:1). قانون داوری این کشور تا حد قابل توجهی بر مبنای قانون نمونه می‌باشد؛ به طوری که حتی تغییرات اعمال شده در نسخه سال ۲۰۰۶ قانون نمونه را نیز در خود جای داده است. قانون داوری ۱۹۹۶ این کشور هم بر داوری داخلی و هم بر داوری بین‌المللی حکومت می‌کند (Kalderimis, Tripp 2016:section 2). هدف از ایجاد چنین سیستم واحدی بر مبنای قانون نمونه ارتقا و افزایش همناختی بین رژیم داوری داخلی و داوری بین‌المللی، ترغیب اشخاص به استفاده از داوری به‌عنوان شیوه حل و فصل اختلاف و تسهیل شناسایی و اجرای آرای داوری می‌باشد (Law Commission 1996:109).

۲-۳) مصر

قانون داوری ۱۹۹۴ با مبنا قرار دادن قانون نمونه به تمامی اختلافات بین اشخاص خصوصی و عمومی صرف نظر از ماهیت اختلاف و بدون تمایز بین داوری داخلی و داوری بین‌المللی اعمال می‌شود^۱ (Egypt Arbitration law (1994)). هدف از وضع این قانون اقدامی در جهت تسهیل و ارتقای داوری در مصر بوده است. پرفسور محسن چافیک رئیس کمیسیون تدوین لایحه داوری در خصوص دلیل انتخاب قانون نمونه آنستیرال به‌عنوان مبنای قانون داوری مصر بیان می‌دارد: «اگرچه نیازی نیست که عبارات قانون نمونه عینا و بدون تغییر در قانون گنجانده شود (اشاره به ماهیت غیر الزام آور بودن قانون نمونه) اما مناسب تر است تا جایی که امکان دارد تلاش شود تا عبارات قانون نمونه عینا در قانون داوری آورده شود. چنین عملی باعث می‌شود تا سرمایه گذاران خارجی متوجه گردند که قانون داخلی شباهت بسیاری به قانون نمونه آنستیرال دارد که همگان به خوبی آن را می‌شناسند (ElAhdab 2011: 158). با توجه به آنچه که ذکر شد، قانون داوری مصر نیز در صدد ایجاد سیستم داوری واحد بر مبنای قانون نمونه به

۱. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

Johanne Cox, John Matouk, Matouk Bassiouny, "The European, Middle Eastern and African Arbitration Review", Section 2: Country Chapters, Egypt, 2016, p1.

منظور شفاف سازی و جلب اطمینان اشخاص است.

۲-۴) انگلیس

قانون سال ۱۹۹۶ شروعی تازه در زمینه وضع قانون و رویه داوری در انگلیس، ولز و ایرلند شمالی محسوب می‌گردد و هدف از وضع آن بهبود بخشیدن و ارتقای مسائل مربوط به داوری مثل موافقت‌نامه داوری، اجرای آرای داوری، اعطای آزادی بیشتر به طرفین و کاهش موارد دخالت دادگاه است. (Hong-lin Yu 2002: 1) این قانون با تأثیر زیادی که از قانون نمونه پذیرفت هم بر داوری داخلی و هم بر داوری بین‌المللی اعمال می‌شود (Dahlberg 2012: 2). مهم‌ترین ویژگی قانون داوری انگلیس را می‌توان چنین خلاصه کرد که هر چند انگلیس بسیار از قانون نمونه الهام گرفت اما آن را نپذیرفت و پا را فراتر از قانون نمونه نهاد و مقررات جامع تری نسبت به آنچه که قانون نمونه مقرر داشته بود، تصویب کرد. این قانون به‌عنوان قانونی در راستا و منطبق با اصول شناخته داوری بین‌المللی شناخته می‌شود و با حاکم کردن توامان مجموعه قواعد مدرن بر داوری داخلی و بین‌المللی سیستم قانونی واحد را بر داوری حاکم ساخت و باعث افزایش جذابیت داوری و افزایش استقبال از آن در انگلیس شد (Pendel, Bridge:229).

۲-۵) اسکاتلند

در سال ۱۹۹۰ اسکاتلند قانون نمونه را برای داوری تجاری بین‌المللی خود برگزید و نظام قانون دو گانه را بر داوری خود حاکم ساخت (Scottish Arbitration Act 1990). عدم موفقیت این قانون در جذب داوری‌های بین‌المللی در مقایسه با قانون جامع ۱۹۹۶ انگلیس باعث گردید که اسکاتلند در قانون سال ۲۰۱۰ خود پا را فراتر از قانون نمونه گذاشته و خلاهای قانون ۱۹۹۰ را پر کند. اسکاتلند همانند انگلیس راهکار متفاوتی در مواجهه با قانون نمونه در پیش گرفت و قانون جامعی بر مبنای اصول اساسی قانون نمونه اما جامع تر از آن بنا نهاد و آن را به‌طور یکسان بر داوری داخلی و بین‌المللی حاکم گرداند^۱ (Dingwall, 2013: 141). از آنجایی که اسکاتلند همانند انگلیس ریشه‌ها و اصول مبنایی قانون خود را از قانون نمونه بر گرفته است این شیوه قانونگذاری و مفاد آن به سرعت برای فعالان داوری قابل شناسایی خواهد بود و این قانون گامی بسیار بزرگ در مطرح کردن نام

۱. ویژگی‌های اصلی و مهم قانون داوری ۲۰۱۰ عبارتند از: ۱. شفاف سازی قانون و پر کردن خلاهای احتمالی؛ ۲. حل و فصل اختلافات به‌طور منصفانه و بی طرفانه و بدون هزینه‌ها و تاخیرهای غیر ضروری؛ ۳. اعطای اختیارات گسترده به طرفین؛ ۴. محدود کردن موارد دخالت دادگاه‌ها. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به: Wilson, R., Allan, V., *Arbitration in Scotland*, CMS guide to arbitration Volume I, p689

اسکاتلند به عنوان کشور مقر داوری محسوب می شود (Dingwall, 2013: 141).

۶-۲) سوئد

در سال ۱۹۹۹ قانون کنونی داوری جایگزین قانون ۱۹۲۹ شد.^۱ قانون ۱۹۹۹ هم بر داوری داخلی و هم بر داوری بین‌المللی حاکم است (The Swedish Arbitration Act of 1999). این کشور اگر چه به طور رسمی قانون نمونه را نپذیرفت، اما به طور قابل توجهی تحت تأثیر قانون نمونه قرار گرفت به طوری که تا حد زیادی حاوی مقررات یکسان یا مشابه با قانون نمونه است (Axelryd 2015: 1). این قانون در عین حال که به خوبی توسعه یافته و بر مبنای اصول اساسی قانون نمونه می باشد اما در بعضی از موارد پا را فراتر از قانون نمونه نهاده است (Nordenson: 848). یکی از دلایل اصلاح قانون ۱۹۲۹ این بود که سوئد از دهه ۷۰ میلادی به مقر داوری‌های فرامرزی بین آمریکا و شوروی سابق تبدیل شد. سوئد با اصلاح قانون خود سعی داشت تا جایگاه خود را به عنوان مرکزی برای رسیدگی به اختلافات ارجاع داده شده به داوری بین شرق و غرب حفظ کند که با لحاظ کردن یک نظام داوری واحد و جامع در تحقق این امر موفق بوده است^۲ (Nordenson: 848).

۳) سابقه داوری در ایران

قانونگذار ایرانی در طول سه دهه از سال ۱۲۸۹ - از ابتدای ادوار تقییح قوانین در ایران - به دنبال قاعده مند کردن داوری در ایران بوده است. این قوانین در نتیجه استفاده از تجارب قانونی و اجرایی پنج بار در سال های ۱۲۸۹، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۱۳ و ۱۳۱۸ اصلاح شد تا در نهایت به شکلی که در باب هشتم قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸ آمده بود، تدوین گردید (افتخار جهرمی ۱۳۷۸: ۱۳-۳۰). در سال ۱۳۷۹ مقررات داوری مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی با قدمتی بیش از شصت سال، با تغییراتی اندک از لحاظ کمی ولی با تغییرات زیادی به لحاظ ماهوی در باب هفتم قانون جدید آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ قرار گرفت (نیکبخت ۱۳۸۸: ص و ا و). قواعد داوری مندرج در قانون آیین دادرسی سال ۱۳۱۸، ناظر به دعاوی بود که در قلمروی سرزمینی ایران - صرف نظر از وجود یا عدم عنصر بین‌المللی در دعوا، - به

1. The Act Concerning Foreign Arbitration Agreements and Awards of 1929, SFS 1929:147(Sweden).

۲. برای مطالعه بیشتر در خصوص داوری سوئد رجوع کنید به :

Haveda, A.I. "Time to Upgrade: Review of the Swedish Arbitration Act", Arbitration Institute of the Stockholm Chamber of Commerce (Kluwer Arbitration Blog), October 17, 2015

داوری ارجاع داده می‌شدند. این قواعد اگرچه در زمان خود بسیار جامع و کامل می‌نمود اما بی‌گمان پاسخگوی تمامی مسائل روز مربوط به داوری نبود (نیکبخت ۱۳۸۸: ص ز). در فقدان مقررات اختصاصی در خصوص داوری بین‌المللی، مقررات داوری قانون آئین دادرسی ۱۳۱۸ بر داوری‌های بین‌المللی نیز که مقر داوری آن‌ها در ایران بود اعمال می‌گردید، اما از آنجا که هدف قانونگذار از وضع این قواعد اعمال آن‌ها بر داوری‌های بین‌المللی نبود، طبعاً نمی‌توانست تمام شرایط و تحولات مربوط به داوری‌های بین‌المللی را پاسخگو باشد (افتخار جهرمی ۱۳۷۸: ۱۳-۳۰). در راستای پاسخگویی به این نیازها و رفع خلأ‌های قانونی، سرانجام قانون داوری تجاری بین‌المللی در شهریور ماه ۱۳۷۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. قانون داوری تجاری بین‌المللی سال ۱۳۷۶ بر مبنای قانون نمونه داوری آنسترال می‌باشد (روزنامه رسمی ۱۳۷۶: ۱-۴). لازم به ذکر است که ایران اصلاحات سال ۲۰۰۶ آنسترال را اعمال نکرده است.

همانطور که قبلاً ذکر گردید سیستم نظام داوری ایران تا سال ۱۳۷۶ سیستم قانونی واحد مبتنی بر ایده‌های قانونگذاری سال ۱۳۱۸ بود. عدم موفقیت قواعد داوری داخلی در برآورده کردن نیازهای تجارت بین‌الملل قانونگذار را بر آن داشت تا سیستم داوری واحد خود را به سیستم دوگانه تغییر دهد. اگر چه تغییر سیستم داوری واحد ایران به سیستم دوگانه در نتیجه تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی مورد استقبال حقوق‌دانان ایرانی قرار گرفت (سیفی ۱۳۷۷)، اما این تغییر ساختاری در نظام داوری ایران تحول قابل توجهی را در توسعه و ترویج داوری در ایران بوجود نیاورد. در این بخش از مقاله، لازم است که نظام داوری داخلی و بین‌المللی از لحاظ ساختاری ابتدائاً به‌طور جداگانه و مختصر بررسی شود و سپس پیشنهاد شود که کدام ساختار حقوقی برای نظام داوری مناسب‌تر می‌باشد.

۳-۱) نظام داوری داخلی

فقدان یک قانون داوری مدرن می‌تواند مانعی بر سر راه توسعه و گسترش داوری در کشورها باشد بویژه در کشورهایی مانند ایران که قسمت عمده‌ای از اختلافات دارای ماهیت داخلی بوده و مربوط به داوری داخلی می‌باشند. در خصوص نظام داوری داخلی باید گفت این نظام همچنان بر مبنای ایده‌های قانونگذاری ۸۰ سال پیش استوار بوده و با رویه‌های مدرن داوری دنیا سازگار نمی‌باشد. به‌عنوان مثال عدم اعطای اختیار به دیوان داوری برای صدور دستور موقت، فراهم کردن زمینه‌های گسترده برای ابطال آرای دیوان‌های داوری توسط

دادگاه‌ها و عدم به رسمیت شناختن داوری سازمانی^۱ از جمله مواردی هستند که مخالف با روح داوری و مغایر با ایده‌ها و رویه‌های مدرن داوری می‌باشند. موارد ذکر شده نه تنها باعث تسهیل و تسریع در رسیدگی به اختلافات توسط داوری نمی‌شوند بلکه می‌توانند منجر به دخالت دادگاه‌ها در امور ماهوی گردند که این خود بر فرآیند داوری می‌افزاید و بر خلاف اراده طرفین داوری می‌باشد. احتمالاً یکی از دلایل عمده ای که قوه قضائیه در برنامه پنجم توسعه موظف به تدوین لایحه جامع داوری گردیده است، طولانی بودن مراحل رسیدگی قضایی در دادگاه‌ها و تحت تأثیر قرار گرفتن داوری در دادگاه‌های ملی می‌باشد. همانطور که از بررسی وضعیت قانونگذاری در کشورهای مختلف مشخص گردید، اکثر این کشورها با وضع قوانین داخلی بر مبنای بهترین رویه‌های مدرن بین‌المللی در صدد حفظ پویایی ایده‌های مربوطه در وضع قوانین داخلی بودند تا داوری داخلی را در راستای داوری بین‌المللی گسترش و توسعه دهند. در این کشورها، انتخاب قانون نمونه به‌عنوان مبنای قانونگذاری در داوری داخلی باعث سهولت و سادگی قوانین داوری و آشنا و جذاب بودن کل نظام داوری این کشورها برای تجار داخلی و بین‌المللی قلمداد می‌شود. همانطور که در خصوص دلایل ذکر شده در مورد قانون بلژیک برای حاکم ساختن قانون نمونه در داوری داخلی بیان شد، دلیلی ندارد تا داوری داخلی از مزایا و ویژگی‌های رویه‌های داوری بین‌المللی محروم شود. قوانین داوری بین‌المللی با کاستن از موارد دخالت دادگاه‌ها در امر داوری و محدود کردن آن به موارد خاص موجبات ترغیب اشخاص برای ارجاع اختلاف به داوری را فراهم می‌آورند. این امر می‌تواند در داوری داخلی نیز به‌عنوان مشوق اشخاص برای ارجاع اختلافات به داوری و کاستن از تراکم پرونده‌ها در مراجع قضایی مورد استفاده قرار گیرد. به‌نظر می‌رسد عدم به رسمیت شناختن بسیاری از مفاهیم مدرن داوری و توسعه قلمروی دخالت دادگاه‌ها در داوری، بزرگترین مانع برای گسترش داوری داخلی در ایران باشد. استفاده از ایده‌هایی همچون مبنای قرار دادن اصل آزادی و اراده طرفین در رسیدگی داوری- که در داوری بین‌المللی متداول است- در داوری داخلی نیز

۱. ماده ۴۵۶ قانون آئین دادرسی مقرر می‌دارد: "در معاملات و قرارداد های واقع بین اتباع ایرانی و خارجی، تا زمانی که اختلافی ایجاد نشده است طرف ایرانی نمی‌تواند به نحوی از انحاء ملتزم شود که در صورت بروز اختلاف حل آن را به داور یا داوران یا هیاتی ارجاع کند که آنان دارای همان تابعیتی باشند که طرف معامله دارد. هر معامله و قراردادی که مخالف این منع قانونی باشد در قسمتی که مخالفت دارد باطل و بی اثر است."

ماده ۴۸۹ در بنده های یک و پنج مقرر می‌دارد: "رای داوری در موارد ذیل باطل است و قابلیت اجرایی ندارد:

- رای صادره مخالف با قوانین موجد حق باشد؛
- رای داور با آنچه در دفتر املاک یا بین اصحاب دعوا در دفتر اسناد رسمی ثبت شده و دارای اعتبار قانونی است مخالف باشد.

می‌تواند مفید و موثر باشد و باعث پویایی داوری داخلی در ایران شود.

۳-۲) نظام داوری بین‌المللی

تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی در سال ۱۳۷۶ به‌عنوان نیاز آن روزهای جامعه داوری ایران در امور مربوط به داوری بین‌المللی محسوب می‌گردید و از آن به‌عنوان تحولی عظیم در نظام قانونگذاری داوری در ایران یاد می‌شد (سیفی ۱۳۷۷). با این حال این قانون اگرچه بر مبنای قانون نمونه آنستیرال تنظیم گردید و ایران را در زمره کشورهای تبعیت‌کننده از قانون نمونه قرار داد اما تغییرات اعمال شده در قانون، آن را از روح قانون نمونه دور ساخت. مواردی همچون مبنا قرار دادن صرف عنصر تابعیت برای تمییز بین داوری داخلی و داوری بین‌المللی، تفاوت در مفهوم معیار مکتوب بودن موافقت‌نامه داوری با قانون نمونه، عدم ذکر ماده ای همچون ماده ۵ قانون نمونه به منظور مشخص ساختن و قاعده مند کردن موارد دخالت دادگاه‌ها و نیز افزایش قلمروی موارد ابطال آرای داوری نسبت به قانون نمونه از جمله مواردی بودند که نقاط ضعف قانون داوری بین‌المللی محسوب می‌شوند.^۱ به‌نظر می‌رسد الگو برداری از قانون نمونه بدون توجه به روح و ایده شکل‌گیری آن، مشکل اساسی قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران باشد. با بررسی کشورهای که قانون نمونه را مبنای قانونگذاری خود قرار داده اند این نکته به خوبی نمایان است که تقریباً اکثر کشورهای ذکر شده تلاش در عدم تغییر یا اعمال تغییرات بسیار جزئی در قانون نمونه داشتند و قانون نمونه را با حداقل تغییرات به تصویب رساندند. کشورهای یاد شده این امر را موجب جذابیت و شفافیت نظام داوری کشورشان تلقی می‌کنند. همچنین معتقدند که تصویب قانون نمونه با حداقل تغییرات باعث استقبال سرمایه‌گذاران و تجار خارجی از قوانین داوری این کشورها به دلیل آشنایی با مفاد قانون نمونه و در نتیجه آگاهی از محتوای قانون داوری کشورشان می‌شود.

با توجه به آنچه که در خصوص قانون داوری داخلی و قانون داوری تجاری بین‌المللی ذکر شد، نظام داوری ایران به دلیل ضعف ساختاری و قدیمی بودن ایده‌ها و تفکرات مربوط به داوری با مشکلات زیادی در جذاب کردن سیستم داوری خود مواجه است. به‌نظر می‌رسد در ایران تفکرات برخاسته از قانون داوری داخلی ایران که نقش گسترده‌ای را برای دخالت

۱. افزایش موارد ابطال رای در قانون سال ۷۶ با کنوانسیون نیویورک نیز در تضاد می‌باشد و بدیهی است که با وجود قائل شدن قلمروی زیاد برای موارد ابطال رای تجار تمایل زیادی نخواهند داشت که مقر داوری اختلاف خود را در ایران قرار دهند.

دادگاه‌ها در امور داورى در نظر گرفته، همچنان بر کل نظام داورى ايران سايه افکنده است. هر چند قانونگذار ايرانى در مراحل و مقاطع مختلفى سعى در ايجاد تحول در قوانين مربوط به داورى در ايران داشته است و در سال ۱۳۷۶ نيز با تغيير نظام داورى واحد مبتنى بر مفاهيم سنتى داورى داخلى به نظام داورى دو گانه سعى در ايجاد چنين تحولى داشت اما در نهايت افکار و ايده‌هاى موجود در داورى داخلى، داورى بين‌المللى در ايران را على رغم مبنا بودن قانون نمونه تحت تاثير قرار داد و در آن تجلى يافت.

۳-۳) الگوى مناسب براى سيستم داورى در ايران؛ واحد يا دو گانه؟

کدام يك از سيستم‌ها، دو گانه يا واحد، مى‌تواند الگوى مناسب ترى براى ساختار داورى در ايران باشد و منجر به توسعه و گسترش داورى بين‌المللى شود؟

۳-۳-۱) سيستم دو گانه

اگر ايران تمايل به حفظ سيستم دو گانه خود داشته باشد سه فرض براى اصلاح قوانين داورى مى‌توان در نظر گرفت:

۱. فقط سيستم حقوق داورى داخلى که در آئين دادرسى مدنى آمده است، اصلاح شود: در اين خصوص بايد گفت هر چند اين قانون نياز به اصلاحات بيشتري نسبت به قانون داورى تجارى بين‌المللى دارد اما صرف اصلاح سيستم داورى داخلى نمى‌تواند به توسعه و گسترش داورى در ايران کمک کند، زيرا نظام داورى بين‌المللى نيز از آنجا که نسبتاً تحت تاثير نظام داورى داخلى بوده، نياز به اصلاح و تغيير دارد.

۲. قانون داورى داخلى و بين‌المللى جدا گانه اصلاح شوند:

اگرچه اصلاح و مدرن کردن قانون داورى داخلى و بين‌المللى به‌طور جدا گانه مى‌تواند بسيارى از نواقص را برطرف کند، اما اين دوگانگى مطلوب‌ترين و بهترين گزينه نمى‌باشد. اتخاذ چنين روشى مى‌تواند باعث وجود دو مبنای فکرى متفاوت در وضع قوانين شود و در نهايت منجر به تجزيه و تحليل داورى بين‌المللى از ديدگاه داخلى و کاهش شفافيت، ابهام در مفاهيم و جذابيت نظام داورى ايران شود.

۳. هر دو قانون داورى داخلى و قانون داورى تجارى بين‌المللى در قالب يك قانون اصلاح گردند: (حفظ سيستم دو گانه در يك قانون)

در این خصوص بایستی گفت که این همان رویه ای است که قانونگذار در طرح لایحه جامع داوروی پیش گرفته است تا بنا بر آنچه که در برنامه پنجم توسعه مقرر شده از میزان دعاوی در دادگاهها بکاهد.^۱ قوه قضائیه در مقدمه توجیهی لایحه مقرر میدارد: هر چند در ایران قوانین متعددی به نهاد داوروی توجه داشته اند اما این نهاد بویژه در داوروی داخلی، آن چنان که باید مورد استقبال قرار نگرفته که نتیجه آن تراکم پرونده ها در دادگستری و سایر مراجع رسمی بوده است. به نظر می رسد مهم ترین علت این عدم استقبال فقدان زیر ساخت های لازم از جمله ساختار ها و مقررات قانونی است. از آنجایی که بخش قابل توجهی از علل عدم اقبال به داوروی ریشه در مقررات مربوطه دارد ... و از طرفی ساختار مشخص برای انجام داوروی ها مقرر نشده است لذا قوه قضائیه در برنامه پنجم توسعه مکلف به ارائه لایحه جامع داوروی از جانب مجلس شورای اسلامی شده است» (لایحه جامع داوروی، ۱۳۹۴).

هر چند تجزیه و تحلیل لایحه جامع داوروی هدف این مقاله نیست اما باید ذکر کرد، چنین روش اصلاحی حداقل از دیدگاه داوروی بین المللی در صورتی مفید خواهد بود که برای اصلاح قوانین مبنایی منطبق با رویه های مدرن بین المللی مانند قانون نمونه ۲۰۰۶ در نظر گرفته شود تا شفافیت و سهولت فهم قوانین داوروی کشور برای تجار و سرمایه گذاران خارجی تامین شود. متأسفانه لایحه جامعه داوروی فاقد چنین مبنایی است؛ به عبارت دیگر این لایحه، ایران را از زمره سیستم های داوروی مبتنی بر قانون نمونه خارج می سازد. در لایحه جامع داوروی وجود مواد قانونی زیاد که بسیاری از آنها بر مبنای رسیدگی قضایی و آئین دادرسی مدنی می باشد امری مرسوم در قانونگذاری مدرن در زمینه داوروی بین المللی نمی باشد.

۲-۳-۳) سیستم واحد

همانطور که قبلاً بررسی شد، گرایش غالب در دنیای داوروی مدرن به سمت سیستم داوروی واحد است و این سیستم با ایجاد مجموعه مقررات واحد حاکم بر کل سیستم داوروی داخلی و بین المللی کشورها باعث شفافیت در سیستم داوروی کشور مربوطه می شود. در حال حاضر ایران با مشکل ساختار در قوانین داوروی خود مواجه است و متأسفانه سیستم داوروی ایران همچنان نگرشی محدود کننده نسبت به آزادی اراده طرفین اختلاف دارد و در پی تدوین قوانینی با اعطای اختیار بیش از حد متعارف به دادگاهها برای دخالت در جریان داوروی است. این نگرش

۱. شق ۲ بند او ماده ۲۱۱ ماده مقرر میدارد: قوه قضائیه مکلف است ... "با همکاری دولت نسبت به تهیه لایحه نهاد مستقل داوروی داخلی و بین المللی تا پایان سال سوم برنامه اقدام کند تا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم شود"

ابتدا در قانون داوری داخلی موجود بود که به نظر می‌رسد به نحوی به برخی از مواد قانون داوری بین‌المللی ایران نیز سرایت نمود. اولین اقدامی که باید برای رفع این مشکل صورت گیرد تغییر نگرش نسبت به داوری چه در داوری داخلی و چه در داوری بین‌المللی است. برای نیل به این مقصود مناسب است سیستم واحدی بر مبنای رویه‌های مدرن داوری در ایران ایجاد شود. ایجاد قانون داوری واحد بر مبنای قانون نمونه آنسترال ۲۰۰۶ با حداقل تغییرات و یا الهام از اصول و چارچوب اساسی آن و تدوین قانونی جامع تر از قانون نمونه همانند انگلیس و اسکاتلند و سوئد می‌تواند راه‌حل مناسبی برای مدرن کردن نظام حقوق داوری ایران باشد. ممکن است عده‌ای بر این باور باشند که داوری داخلی نباید از اصول داوری بین‌المللی پیروی کند و باید محدودیت‌های نسبتاً بیشتری در مقایسه با داوری بین‌المللی لحاظ نمود. در پاسخ به این استدلال باید گفت برای در نظر گرفتن بهترین رویه‌های پذیرفته شده بین‌المللی در سیستم داخلی نه تنها مانع عقلی و قانونی وجود ندارد بلکه این امر نشان از افق دید مثبت قانونگذار برای ایجاد تحول در سیستم داوری به‌ویژه سیستم داوری داخلی دارد.

نتیجه‌گیری

تلاش‌های جهانی در جهت ارتقا و یکنواخت ساختن داوری منتهی به تهیه قانون نمونه آنسترال است. قانون نمونه دارای چنان نفوذ و تأثیری است که همه کشورهای که تمایل به مدرن سازی قوانین داوری خود دارند به نحوی قانون نمونه توجه می‌کنند. بعضی از کشورها در تدوین قوانین خود از قانون نمونه الهام گرفته و تحت تأثیر آن بوده‌اند، اما در مقابل تعداد قابل توجهی از قوانین کشورها عیناً مقررات قانون نمونه را مبنای قرار داده‌اند. در این میان تمایل زیادی در بین کشورها در خصوص حاکم ساختن سیستم قانونی واحد بر داوری وجود دارد. اکثر این کشورها ترجیح می‌دهند سیستم واحد بر مبنای قانون نمونه داشته باشند.

همان‌گونه که از بررسی چارچوب قوانین داوری در ایران مشخص شد، نظام داوری داخلی ایران از ایده‌ها و افکار سنتی رنج می‌برد که با رویه‌های مدرن بین‌المللی سازگاری ندارد. از سوی دیگر تأثیر همین افکار در تدوین و علی‌الخصوص تفسیر قانون داوری تجاری بین‌المللی _علی‌رغم مبنای قرار دادن قانون نمونه_ باعث گردید قانونگذار ایرانی با ایجاد برخی تغییرات نسبت به متن اصلی قانون نمونه تا حدودی از هدف اصلی و روح قانون نمونه دور شود. برای اصلاح این وضعیت می‌توان چهار راه حل مطرح کرد:



اول؛ فقط سیستم داوری داخلی اصلاح شود. در این خصوص باید گفت صرف اصلاح سیستم داوری داخلی نمی‌تواند به توسعه و گسترش داوری بین‌المللی در ایران کمک کند. دوم؛ قانون داوری داخلی و بین‌المللی جداگانه اصلاح شوند. اصلاح جداگانه هر یک از قوانین داوری داخلی و بین‌المللی نمی‌تواند مطلوب‌ترین راه‌حل باشد، زیرا این عمل همچنان باعث تداوم وجود دو نظام جداگانه و دو مبنای فکری متفاوت در وضع قوانین داوری می‌شود. سوم؛ هر دو قانون داوری داخلی و قانون داوری تجاری بین‌المللی در قالب یک قانون اصلاح گردند. این امر همان رویه‌ای است که قانونگذار در طرح لایحه جامع داوری پیش گرفته است. در چنین روشی همچنان دوگانگی سیستم حفظ گردیده و مضافاً مبنای این لایحه قانون نمونه ۲۰۰۶ که یک گرایش جدید در داوری بین‌المللی است، نمی‌باشد. چهارم؛ ایجاد سیستم قانونی واحد بر مبنای قانون نمونه ۲۰۰۶؛ به عبارت دیگر، ایران می‌تواند قانون داوری واحد بر مبنای قانون نمونه آنسیترال با حداقل تغییرات ایجاد کند و یا با فراتر از قانون نمونه گذاشته و با پر کردن خلاهای آن قانون جامعی مانند انگلیس و اسکاتلند و سوئد به تصویب برساند. این روش مناسب‌ترین گزینه برای سیستم داوری ایران می‌باشد زیرا علاوه بر اینکه شفافیت و سهولت در فهم و تفسیر قوانین داوری ایران را در پی خواهد داشت، باعث ایجاد تحول در ایده‌ها و افکار سنتی سایه افکننده بر قانون داوری داخلی ایران، قانون داوری بین‌المللی و همچنین لایحه پیشنهادی خواهد شد.



منابع

الف) فارسی

- نیکبخت، حمید رضا. (۱۳۸۸). *داوری تجاری بین‌المللی (آیین داوری)*، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- افتخار جهرمی، گودرز. (۱۳۷۸). «تحوالات نهاد داوری در قوانین موضوعه ایران، دستاورد آن در حوزه داوری بین‌المللی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، پاییز و زمستان، شماره ۲۷ و ۲۸.
- روزنامه رسمی ایران، شماره ۱۵۳۳۵ مورخ ۲۰ اکتبر ۱۹۹۷، (۲۸ مهر ۱۳۷۶).
- سیفی، سید جمال. (۱۳۷۷). «قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران همسو با قانون نمونه داوری آنسترال»، *مجله حقوقی*، شماره ۲۳.
- قانون آیین دادرسی مدنی، ۱۳۷۹.
- قانون داوری تجاری بین‌المللی، ۱۳۷۶.
- لایحه جامع داوری، ۱۳۹۴.
- قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰).

ب) انگلیسی

- M Abrishami, Ali, "Iranian Arbitration law : The Need for Reform", *International Arbitration Law Review*, 2015, Issue 1, Thomson Reuters (Professional) UK Limited and Contributors.
- Treaty Concerning the Union of South America in Respect of Procedural Law, Signed at Montevideo, 1889.
- Frank-Bernd Weigand, *Practitioner's Handbook on International Commercial Arbitration*, OUP Oxford, 2009.
- Gary Born, *International Commercial Arbitration: International and USA Aspects Commentary and Materials*, Kluwer Law International, 2015.
- Alan Redfern, *Law and Practice of International Commercial Arbitration*, Sweet & Maxwell, 2015.
- Protocol on Arbitration Clause, Signed at a Meeting of the Assembly of the League of Nations Held on 24, September, 1923.
- Convention on the Execution of Foreign Arbitral Awards, Signed at Geneva, 26 September 1927.
- United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD), Petar Sarcevic, "Dispute Settlement International Commercial Arbitration", *Recognition and Enforcement of Arbitral Awards: The New York Convention*, UNCTAD/EDM/Misc.232/Add.37.



- Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards, also known as the "New York Arbitration Convention" or the "New York Convention", 1958, New York.
- United Nations, "Enforcing Arbitration Awards under the New York Convention", New York, 1999, United Nations Publications.
- Linda Silberman, "The New York Convention After Fifty Years: Some Reflections on the Role of National Law", Georgia Journal of International and Comparative Law 38 (2009).
- S.I. Strong, "Monism and Dualism in International Commercial Arbitration: Overcoming Barriers to Consistent Application of Principles of Public International Law", University of Missouri School of Law, SSRN, December, 2012.
- UNCITRAL Model Law on International Commercial Arbitration, United Nations Commission on International Trade Law, 18th Sess., Annex 1, U.N. Doc. A/40/17 (June 21, 1985).
- Prepared by Mr. Eric E. Bergsten at the request of the United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD), "Project on Dispute Settlement in International Commercial Arbitration", Geneva, 30 Nov 2005.
- Tribunal Rules of Procedure - Iran-United States Claims Tribunal.
- Pieter Sanders, "Unity and Diversity in the Adoption of Model Law", Arbitration International, 1995, Volume 11, Issue 1.
- The International Arbitration in Commercial Matters Law 1987 (IACM) (No. 101 of 1987).
- Michalis Kyriakides and Olga Shelyagova, Contributing editors: Gerhard Wegen and Stephan Wilske, "Arbitration in 55 jurisdictions worldwide", Cyprus, Global Arbitration Review, 2011.
- Bulgaria International Commercial Arbitration Act of 1988.
- Egypt, Law No. 27 of 1994 Concerning Arbitration in Civil and Commercial Matters (as amended by Law No. 9 of 1997).
- Jalal El-Ahdab, "Arbitration with the Arab Countries", Kluwer Law International, 2011 – Law.
- Mexican Arbitration and Conciliation Act, 1996 (New Amendment Arbitration and Conciliation (Amendment) Ordinance, 2015).
- Claus Von Wobeser, "IBA Arbitration Committee, Arbitration Guide", May 2013.
- Canadian Commercial Arbitration Act.
- Quebec Civil Code and Code of Civil Procedure.
- Arbitration Ordinance of Hong Kong 2010.
- Scotland Arbitration Act 1990.
- Nigeria Arbitration and Conciliation Decree (1988).
- Australian Arbitration Act 1974.
- Peter Wood, Phillip Greenham and Roman Rozenberg, *Arbitration in Australia*, CMS Guide to Arbitration, Volume I, Minter Ellison.
- The Bermuda International Arbitration and Conciliation Act 1993.
- Justin D'Agostino, "New Hong Kong Arbitration Ordinance comes into



effect", Kluwer Arbitration, 2011.

- Tunisian Arbitration Code 26 April 1993.
- Kamel Ben Salah, "An Overview of the Tunisian Arbitration Regulations", 17 Journal of International Arbitration, 2000, Issue 3.
- Consultation Paper, "Reform of the Law of Arbitration in Hong Kong and Draft Arbitration Bill", Department of Justice, 2007.
- 2013 Belgian Arbitration Act.
- Belgian Parliamentary Works, Doc 53 2743/01 Report at the House of Representatives.
- Gautier Matray, "Belgium Adopts a New Law on Arbitration", Kluwer Arbitration, July 4, 2013.
- New Zealand, Law Commission, "Improving the Arbitration Act 1996", Report 83.
- Daniel Kalderimis, Chapman Tripp, "The Asia-Pacific Arbitration Review 2016", Section 2: Country chapters, New Zealand, GAR, 2016.
- Johanne Cox, John Matouk, Matouk Bassiouny, "The European, Middle Eastern and African Arbitration Review", Section 2: Country Chapters, Egypt, 2016.
- Guy Pendell and David Bridge, *Arbitration in England and Wales*, CMS guide to arbitration Volume I.
- Hong-lin Yu, "Five Years On: A Review of the English Arbitration Act 1996", 19 Journal of International Arbitration, 2002, Issue 3.
- Andrea Dahlberg, Angeline Welsh, "Arbitration Guide England and Wales", IBA Arbitration Committee, April 2012.
- Joanna Dingwall, "International Arbitration in Scotland: A Bold, New Future", Thomson Reuters (Legal) Limited and Contributors, International Arbitration Law Review, 2013.
- Wilson and Valerie Allan, *Arbitration in Scotland*, CMS guide to arbitration Volume I.
- Scottish Arbitration Act 2010.
- The Act Concerning Foreign Arbitration Agreements and Awards of 1929, SFS 1929:147 (Sweden).
- The Swedish Arbitration Act of 1999.
- Marcus Axelryd and Helena Dandenell, "Commercial Arbitration Sweden", globalarbitrationreview(gar), 2015.
- Harald Nordenson, Marie Öhrström, *Arbitration in Sweden*, CMS Guide to Arbitration Volume I.
- Anja Havedal Ipp, "Time to Upgrade: Review of the Swedish Arbitration Act", Arbitration Institute of the Stockholm Chamber of Commerce (Kluwer Arbitration Blog).